

طرائف الظرایف

معرفی نسخه‌های گرانبها از شاهزاده قاجار

دکتر جلیل تجلیل
زهرا قزلسفلی^۱

ادبیات تعلیمی

میان مجموعه متنوع نسخه‌های خطی، بخش گسترده‌ای به آثار تعلیمی اختصاص دارد. این از آن روست که با آفرینش انسان، تعلیم و تربیت نیز متولد شده و جایگاه ویژه‌ای را در ادبیات به خود اختصاص داده است. و به همین دلیل، بخش گسترده‌ای از فرهنگ مکتوب را تشکیل می‌دهد و به زبان ساده و رسا بیان می‌شود. تعلیم و تربیت از اغراض اصلی نثر فارسی است و ادبیات تعلیمی نیز از دیرباز در فرهنگ ایران جایگاه ویژه‌ای داشته است. این نوع ادبی، قرن‌های متمادی بیشتر در قالب شعر در جامعه ایرانی تجلی یافته و در مسیر تکامل خود از گذشته‌های دور تا امروز، تأثیری پر رنگ بر صفحه نثر نویسندگان داشته است؛ در ادبیات بیشتر ملت‌ها نیز جایگاه ارزشمند دارد. در این گونه حکایات نویسنده سعی دارد برترین پندها را به وسیله ساده‌ترین حکایات بیان کند. بیشتر تعلیم و تربیت‌ها در گذشته به زبان غیر مستقیم و در قالب حکایت نقل می‌شدند و هرچه این پندها به زبان ساده و گفتاری باشد، بیشتر در روح و روان می‌نشیند تا جایی که بعضی از آنها قرن‌ها نقل خواهند شد و در اقبانوس آثار پایدار ادبی قرار می‌گیرند. در ادبیات ایران، این گونه حکایات بسیار است از آن جمله در شاهنامه فردوسی، قابوسنامه، منطق الطیر عطار و گلستان و بوستان سعدی و بسیاری دیگر که در حال حاضر در دسترس هستند.

۱. کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

جایگاه تعلیم در انواع ادبی

تعلیم، قدیمی‌ترین و مهم‌ترین مضمون رایج در ادب و ادبیات است. به طوری که بخش بزرگی از آثار ادبی و هنری را به خود اختصاص داده و یکی از مهم‌ترین انواع ادبی است که در ادبیات تمام کشورها یافت می‌شود و تلاش در پرورش نیروهای روحی و ویژگی‌های خوب اخلاقی انسان‌ها دارد. این نوع ادبی در بسیاری از آثار نویسندگان و گویندگان وجود دارد. آثاری که به روش‌های گوناگون به تعلیم مردم و آموزه‌های اخلاقی ایشان اشاره دارد. نویسندگان با استفاده از ادبیات تعلیمی، سخنانی پر از پند و اندرز می‌گویند و با استفاده از تمثیل‌های مختلف به فهم مسائل خوب و بد زندگی کمک می‌کنند. تعلیم یکی از انواع ادبی است که بیشتر آثار ادبی جهان را زیر سیطره خود قرار داده است و در انواع ادبی و ادبیات از قصیده گرفته تا حماسه، حضوری پر رنگ دارد. در حوزه ادب و هنر از آغاز آفرینش ما شاهد تعلیم و همگام با آن تربیت هستیم که تأمل در این آثار، کمک شایانی به انسان معاصر خواهد کرد و در بهبود اخلاق و ادب کمک قابل توجهی به پیروان خیر و نیکی خواهد کرد.

موضوعات تعلیم و تربیت

همواره در تعلیم و تربیت سعی بر این است که خصلت‌ها و ویژگی‌های نیکو را مورد توجه قرار دهند و تعلیم با روزگار و جامعه متناسب باشد. نویسندگان نثر تعلیمی به توصیف و تمجید صفاتی مانند سخاوت، شجاعت و جنگاوری، دینداری، بردباری، عدالت و شکوه و جلال و... می‌پردازند و سعی می‌کنند آخرین درجه ابتکار و قدرت ادبی خود را در یافتن مضامین تازه به کار برند. انسان تمام تلاش خود را در پرورش و آموزش مباحث اخلاقی و تعلیمی به کار می‌گیرد؛ ولی آموزش و پرورش به تنهایی راه‌گشای این مباحث گوهر بار نیست و بیشتر باید به این مسائل خیر عمل کرد و اکثر شاعران و نویسندگان به ویژه سعدی و مولانا در بهبود این امر کوشیده‌اند؛ باشد که تعلیم و تربیت گسترش و ترویج یابد.

یکی از نویسندگان تیره‌بخت ادب فارسی که منادی تعلیم تربیت و اخلاق بود، جهانگیر میرزای قاجار است که در آغاز جوانی و بالندگی به دست دشمنان خود روشن‌بین و نابینا می‌گردد. همین امر سبب شد که بیشتر بیندیشد و تمام آثار خود را در دوران نابینایی به قلم در آورد و مدافع حقوق ستمدیدگان و بیچارگان گردد.

زبان این نویسنده ساده و روان است و مفهوم اثرش پند و اندرز، که البته این نصیحت‌ها به شیوه‌ای استادانه پوشیده است. حکایت‌ها و نکته‌ها، کوتاه و دل‌انگیز است که خواننده از لحن آن، خسته نمی‌شود و پندی از آن می‌گیرد. افکار این نویسنده، تعلیم و تربیت و پند و اندرز است که به وسیله حکایت‌های شیرین نقل شده است.

درباره جهانگیر میرزا

جهانگیر میرزا، فرزند عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه قاجار بود. مادرش صبیّه بارمحمد بیگ

طرائف الظرایف معرفی نسخه ای گرانبها از شاهزاده قاجار / جلیل تجلیل - زهرا قزلسفلی

ترکمان آق قویونلو، مقیم تبریز بود که پنج پسر و یک دختر داشت. به احتمال زیاد، جهانگیر میرزا بین سال‌های ۱۲۲۲ تا ۱۲۲۵ ق. در تبریز به دنیا آمد. دوران حیات او با سلطنت پنج تن از پادشاهان قاجاری مصادف بود.

جهانگیر میرزا تربیت اولیه خود را بیشتر مرهون پدر بزرگوارش، عباس میرزا است، چرا که همّت عباس میرزا، به تربیت اولادش مصروف بود؛ و تعلیم و تربیت فرزندانش از جمله جهانگیر میرزا را بر عهده حاجی میرزا آقاسی ماکویی قرار داده بود.

او همواره در سایه تربیت و لطف و حمایت پدر با شوق فراوان در به دست آوردن دانش تلاش می‌کرد و بیشتر زندگانی خود را به تحصیل علوم عربی و ادبی می‌گذرانید.

این امیرزاده جسور و شایسته، در زمان حیات پدر، طرف میل و مهر و محبت مخصوص ولیعهد مغفور خاقان، و بشّاش و دلاور و زبان آور و فاضل و اهل قلم و ادب بوده است.

جهانگیر میرزا در دوران زندگی، حوادث و سوانحی چند همراه شادی و غم، دیده و از آنها در آثار خود سخن گفته و حوادث مهم در زندگی او بسیار است. او چون کاردان و جسور بود، از همان جوانی به فرماندهی و حکومت خوی و سلماس منتصب شد و در جنگ با گردان یاغی و اعتراض‌کنندگان عثمانی مکرر پیروز می‌شد و در دوره دوم جنگ‌های ایران و عثمانی شرکت داشته است و پس از پایان این جنگ‌ها به فرماندهی اردبیل و طالش و سواحل بحر خزر و حفظ قلعه اردبیل نامزد گردیده بود.

جهانگیر در سال ۱۲۵۰ به سبب توطئه‌های درباریان در قلعه اردبیل زندانی شد و قائم مقام فراهانی به حکم محمد شاه، جهانگیر را ناپینا کرد.

باری نویسنده به فرمان محمد شاه، شانزده سال از بهترین ایام خود را در زندان سپری کرد. در این مدت آثاری در تاریخ و ادب و ادبیات می‌نوشت. سرانجام در سال ۱۲۶۶ آزاد شد و به حکومت خوی منصوب شد. و در سال ۱۲۶۹ ق. دیده از جهان فرو بست.

برخی از هم‌عصران جهانگیر میرزا

در قرن سیزدهم شخصیت‌های برجسته فرهنگی، سیاسی و ادبی زیادی ظهور کردند که در زیر به ذکر مهم‌ترین شخصیت‌هایی که جهانگیر در آثار خود نیز به آنها اشاره کرده و در زندگی ادبی او تأثیر زیادی داشته‌اند، می‌پردازیم:

- میرزا عبد الوهاب نشاط اصفهان (۱۲۴۴-۱۱۷۵ ه.ق.) از نویسندگان و استادان عصر خود و شاعر معروف دربار فتحعلی شاه قاجار بوده است.

جهانگیر در آثار خود بارها به ذکر نام این انسان برجسته می‌پردازد: «...و وزرای عاقل و خیر خواه نیز می‌باشند، چنانچه میرزا شفیع و میرزا عبد الوهاب و میرزا محمد علی آشتیانی که قطع طمع‌های خود را نموده و در زیر مراجع پادشاهان به آنچه دادند قناعت نمودند و سر نفس سرکش را از طمع‌های تصرّفات دولتی و خیالات لا یعنی از اوّل بریدند».

طرائف الظرایف معرفی نسخه ای گرانبها از شاهزاده قاجار/ جلیل تجلیل- زهرا قزلسفلی

با توجه به متن فوق، آشکار است که نویسنده اثر با شاعران و نویسندگان عصر خود نشست و برخاست داشته است و به خوبی با آنها آشنا بوده است، از جمله:

- میرزا محمد علی آشتیانی نیز از جمله فضلا و نویسندگان این عهد بوده است که تأثیرگذار بر این نویسنده است.

- میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی (۱۲۵۱-۱۱۹۳ ه. ق) معروفترین نویسنده دوره قاجار و وزیر محمد شاه است که «منشآت» او معروف است. و به دستور او جهانگیر میرزا در جوانی نابینا می‌گردد.
- فاضل خان گروسی (۱۲۵۹-۱۱۹۸ ه. ق) معاصر فتحعلی شاه، صاحب کتاب معروف «انجمن خاقان» است.

- ناصرالدین شاه (مقتول ۱۳۱۳) چندین سفرنامه به نثر ساده و روان نوشته است. به دستور این شاه، جهانگیر آزاد شده و به فرماندهی بعضی از مناطق ایران گماشته می‌شود.

- حاجی میرزا آقاسی، که به دستور عباس میرزا به تعلیم و تربیت جهانگیر میرزا و برادرانش گماشته شد که از شخصیت‌های تأثیرگذار در قرن سیزدهم است. جهانگیر بسیاری از نکات اخلاقی و تعلیمی را از این استاد آموخته است: «از حاجی میرزا آقاسی شنیدم که در دبستان به پادشاه جهان محمد شاه - رحمه الله - در حالت تعلیم می‌گفت: چون آفتاب جهان آرا باش تا مردم به انتظار دیدارت نشینند و تربیت از تو گیرند و فایده از وجودت بردارند، نه چون مار و اژدر که از دیدارت گریزند و از وجودت به پرهیزند». (طرائف، ص ۸۲)

آثار جهانگیر میرزا

جهانگیر میرزا در ایام جوانی نابینا شده بود. از سبک نوشتاری آثار او پیداست که کاتبی گفته‌هایش را می‌نوشته و تنظیم می‌کرده است. آثار به جا مانده از وی عبارتند از:

- ترجمه آثار البلاد و اخبار العباد: کتابی است پر حجم در علم جغرافیا. جهانگیر میرزا این اثر ارزشمند را از عربی به فارسی ترجمه کرده است؛

- تاریخ نو: این کتاب حوادث دوره قاجاریه را از سال ۱۲۴۰-۱۲۶۷ قمری بیان کرده است؛

- پندنامه: کتابی اخلاقی - تعلیمی است که به نثر فارسی ساده و روان نوشته شده است؛

- عروض: کتاب کم حجمی در علم عروض و قافیه است که به زبان فارسی، نوشته است؛

- طرائف الظرایف: از جهانگیر میرزا قاجار است که در هنگام هجران در توپسرکان در ۱۲۶۶-۱۲۶۷

نگاشته و به روش مجمع الامثال میدانی و کشکول شیخ بهایی و زهرالربیع شوشتری است که در آن نکته‌های زیبای ادبی و تاریخی و جغرافیایی و تعلیمی و اجتماعی را گنجانده است. مؤلف در این اثر علاوه بر موارد ذکر شده، تعدادی حکایات و داستان زیبا و آمیخته به هزل و حکم و امثال را جمع و بیان کرده است.

این اثر انعکاس سفر نویسنده به ژرفای ادبیات تعلیمی است که در قالب حکایت‌های سبزه‌ساز از نور و بینش و تابش، به دنیای نثر باز می‌گردد. جهانگیر میرزا در این کتاب، نویسنده تاریخ، جامعه و زندگی است

طرائف الظرایف معرفی نسخه ای گرانبها از شاهزاده قاجار / جلیل تجلیل - زهرا قزلسفلی

و رسالت خود را در قالب حکایت‌های تعلیمی و اخلاقی به خوانندگان به جا آورده است. تمام این کتاب، نوشته‌های دوره پختگی و کمال نویسنده‌اند. نگاه نویسنده به زندگی، عمیق و استوار است. اثر او، چنان عمیق است که ریشه در اعماق اخلاق و ادب کهن پارسی فرو برده و شاخه‌های پر بار آن به اوج آسمان ادب و اخلاق و تربیت امروز رسانده است. این اثر کشکولی از اخلاق و تربیت است که به دوستداران ادبیات تقدیم گردیده است. کتابی است با حکایت‌های مختصر در ذکر اخلاق، تعلیم و تعلم، با عبارتی ملیح و شیوا و مختصر که گاهی به مناسبت، اشعاری نیز آورده است. ظاهراً مقصود جهانگیر میرزا از تألیف این کتاب، تعلیم و حکمت و معرفت است و کوشیده تمام مسائل اساسی دوران خود را تحت نقد پوشیده خویش قرار دهد و با بیان این مسائل، گوشه‌ای از مشکلات جامعه را استخراج و بازگو کند.

از میان این آثار تنها **تاریخ نو** به سعی و اهتمام عباس اقبال، تصحیح و چاپ گردیده و کتاب طرائف به تازگی، توسط نویسنده این مقاله، تصحیح و شرح گردیده است.

نسخه خطی طرائف الظرایف

جهانگیر میرزای قاجار این اثر را به سبک ساده و روان و به زبان فارسی نگاشته است. موضوع کتاب، اخلاق و حکمت است که مشتمل بر یک هدایه یک تبصره، یک تفسیر، هشت ظریفه، سه لطیفه، سی حکایت، یک تهجین، دو نکته، یک اخبار، یک اظهار، یک ضحکه، دو نادره، دو عجیبت، بوحیه، حقیقه، حکمه، فصل و جوهره، به تقلید از کتاب گلستان سعدی و کشکول شیخ بهائی نوشته شده و حاوی نکته‌های شیرین است که با ظرافت و هنرنمایی نقل شده.

عمده شهرت جهانگیر میرزا به سبب نوشتن تاریخ نو است، اما قسمت اعظم آثارش به نثر تعلیمی اختصاص دارد. او در طرائف الظرایف به تعلیم و تربیت و نقد جامعه خویش پرداخته و با معیارهای خاص خود، آن‌ها را حکایت کرده یا با هدف ترغیب به فضایل و نهی از رذایل مورد ستایش قرار داده است. از این کتاب، دو نسخه موجود است و توسط نگارنده این مقاله تصحیح و شرح گردیده است.

حکایات این اثر در تعلیم و تربیت، با شیوه دلپذیری نقل شده و چنان که شیوه جهانگیر میرزا است، از امثال و اشعار لطیف مشحون است. حکایت‌های زاهدان و قاضیان و بیگناهان و فاسدان و نقد پنهان آنها توسط نویسنده، این اثر را زینت داده است.

طرائف جهانگیر میرزا با حمد و سپاس آغاز شده و از پند و اندرز و در عین حال از نقد غیر مستقیم زمان آکنده است.

این کتاب، علاوه بر نثر پخته، با شیوه‌ای روش‌مند، خواننده را گام به گام، در راه آشنایی با مفاهیم عمیق اخلاقی - تعلیمی پیش می‌برد و استشهدادهای زیبای منظوم و منثور موجود در آن، به پارسی یا عربی، ضمن آشنا کردن خواننده با مباحث حکمت، از دشواری و دیریابی مفاهیم اخلاقی و تعلیمی آن می‌کاهد. با عنایت به اینکه در معرفی و شناساندن این اثر با توجه به اهمیت ادبی و فرهنگی آن، کاری در خور به انجام نرسیده است. با توجه به محتوای ارزشمند نسخه از نظر ادبی، انجام پژوهشی در خور در این زمینه

ضروری می‌نمود، لذا نگارنده مقاله، سعی کرده است تا قدمی در راه احیا و معرفی این متن زیبا و نفیس تعلیمی فراموش شده بردارد.

جهانگیر میرزا از نویسندگان و تاریخ‌نگاران این مرز و بوم است. وی کتاب طرائف‌الظرایف را برای آموزش و تعلیم کودکان و نوجوانان نوشته است، ولی در این کتاب، به ظاهر با زنده‌ترین هزلها و کلمات سست و روبرو میشویم و همین، سبب می‌شود در نگاه اول به متن، وی را سرزنش کنیم و مدعی شویم که وی مجاز به آوردن چنین کلماتی نبوده است.

هدف از معرفی ویژگی‌های این اثر، علاوه بر احیای یکی از متون کهن ادبیات فارسی، بررسی تعلیم و تربیت در یکی از آثار ناشناخته ادبی عهد قاجار است که با وجود ارزش و زیبایی‌های سبکی و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، به ویژه از جنبه محتوایی، همچنان ناشناخته مانده و از نظر پژوهشگران دور افتاده است. از آنجا که جهانگیر میرزای قاجار - مؤلف طرائف‌الظرایف - از بزرگان و شاهزادگان عهد قاجار است. با بررسی این اثر می‌توان از شیوه تربیتی غالب درباری آن روزگار آگاه شد، چرا که به استناد فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی، هدف از تألیف این اثر، آموزش خردسالان با استفاده از حکایات و امثال، داستان‌های زیبا و آمیخته با نکات تعلیمی و تربیتی است. (رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران، سید عبدالله انوار، ص ۴۳۳).

علاوه بر این، بررسی حکایات و پندهای مندرج در این اثر، در حوزه امثال و حکایات ادب فارسی مفید واقع شده است و کمک شایانی در شناخت روزگار این نویسنده، به محققان و پژوهشگران خواهد کرد. با عنایت به ارزش و اهمیت شناسایی، احیا و بررسی آثار ناشناخته ادب فارسی به عنوان مفاخر ادبی و فرهنگی، و با توجه به اینکه تاکنون در این خصوص (بررسی ویژگی‌های ادبی و تعلیمی طرائف‌الظرایف جهانگیر میرزای قاجار) کاری به انجام نرسیده است، انجام پژوهشی کاربردی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسید.

مضامین و دلایل تعلیم و تعالیم در طرائف جهانگیر میرزا

ملاک‌های تعلیم در نثر تعلیمی جهانگیر فراوان است، لذا به ترتیب بیشترین کاربرد او در تعلیم و تربیت کودکان، شکوه و جلال، سخاوت، شجاعت، عدل و انصاف و صبر و بردباری است که این موارد را ستوده. در این اثر در خفاء قاضیان را تعلیم می‌دهد و به آنها آیات خدا را یاد آوری می‌کند و با هزل و شوخی حق یتیم را بازگو می‌کند که چگونه بعضی از قاضیان بدترین ظلم را در حق مردم می‌کنند و با بیان این نقد غیر مستقیم و پوشیده گویا نویسنده رسالت خود را به جا آورده است.

یکی از دلایل جهانگیر برای آفریدن این اثر تعلیمی، این بوده است که بعضی از تعالیم با اینکه همه انسان‌ها از آنها آگاهی دارند، گویا برایشان نا آشنا است. یکی دیگر از دلایل نویسنده برای نگارشش، نقد است؛ نقد جامعه، نقد حاکمان و وزیران و سران کشور و فرماندهان لشکر، که همه در این شهر آشوب زمانه دیگران را هم تعلیم می‌دهند، ولی فراموش کرده اند به تعلیم و تربیت خود بپردازند.

ویژگی‌های زبانی، ادبی و سبکی نثر طرائف الظرایف

طرائف جهانگیر، آکنده از تعلیم و تربیت و تهذیب و اخلاق اسلامی است، حکایت عدل و انصاف و داوری، نقد تزویر و ریا و دورویی، قصه قضاوت و قاضی و محکمه است. جهانگیر میرزا شخصیتی است که در مقابل ریا و تظاهر سر فرود نمی‌آورد و در کارهای شرک‌آمیز اشخاص به تأمل می‌پردازد. تنها راه مقابله با این افراد را که در بیشتر موارد قدرت در دست آنهاست، پوشیده سخن گفتن را برمی‌گزیند؛ شاید که پند گیرند. نثر او نثر بیچارگان و درماندگان است. آه یتیمان و ناله ساده‌دلان است. در این اثر همه چیز نشانهٔ تعلیم و تربیت است و می‌کوشد چشم عقل را بیدار کند. جهانگیر در آثار متقدمان و متأخران تتبع و ممارست می‌کرد و به تضمین و تقلید از آثار آنها نظر داشت. طریقهٔ نویسندگی او از دو استاد ادب فارسی، سعدی و نظامی مایه دارد. جهانگیر میرزا از لحاظ زبان و نثر در دورهٔ بازگشت قرار دارد و زبان او، زبان ساده و مرسل است. سبک نگارش این اثر مطابق آثار دیگر این دوره، ساده و روان است. در این اثر ویژگی‌های زیر مشهود است:

۱. استفاده از آیات و احادیث:

«حمد خدای را که آفرینندهٔ جهان است و آموزندهٔ انسان عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ».

«بر رأی دانشمندان واضح است که تحصیل آداب به طریق اکتساب حاصل نشود، الا به ممارست با حکماء؛ و این ممارست بر دو وجه است: وجه اکمل آن است که، با ایشان نشینند و از مصاحبت ایشان بهره گیرند خُذُوا الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ».

۲. کاربرد وسیع اشعار فارسی و عربی؛ مانند:

«آسمان شو ابر شو باران ببار

«إِنَّ لِلْمَلِكِ بِمَهْمَا الْعَجْمِ

۳. درج برخی از امثال و اصطلاحات رایج: «خر من از بیخ دم نداشت»؛ «آسوده منم که خر ندارم...»؛

۴. کاربرد برخی صنایع لفظی و معنوی:

سجع: «آفرینندهٔ جهان است و آموزندهٔ انسان»؛ «انبیاء و اولیاء»؛ «الاسود و الاحمر»؛ «کاینات... و عرصات».

استفاده از موسیقی یک حرف در کلام: «و درود نامعدود بر روان انبیاء و اولیاء باد».

تکرار مضمون: تکرار در مضمون یا موضوع یا شخصیت حکایاتی که در این کتاب آمده یکی از ویژگی‌های سبکی این اثر تلقی می‌شود؛ مثلاً حکایات فراوانی دربارهٔ قاضی در این نسخه دیده می‌شود.

همین طور است مطالبی در مورد زنان، شیخ، روستائی و...

۵. استفاده از شیوهٔ پرسش و پاسخ یا مناظره و گفتگو در بیان مفاهیم تعلیمی.

مشخصات نسخ طرائف الظرایف

این اثر با دو نسخه خطی، تصحیح و شرح گردیده است. اطلاعات نسخ به شرح زیر است:

معرفی نسخه اول:

این نسخه از کتاب جهانگیر میرزای قاجار به شماره ۲۴۹۹ در مخزن نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود و شامل ۸۹ برگ است که به یک خط کتابت گردیده و در برگ آخر آن کاتب مطالبی افزوده که پاک گردیده و غیر قابل خواندن است. تمامی مطالب نسخه به خط نستعلیق کتابت گردیده و نسخه پر از غلط است.

نوع جلد این نسخه تیماج سبز ضربی و نوع کاغذ آن فرنگی است. این نسخه توسط کاتبی به نام حبیب الله میرزا به خط نستعلیق در ۸۹ برگ (۱۷۷ صفحه) که مطالب صفحه اول در ۷ سطر و مابقی صفحه‌ها ۱۱ سطری نوشته شده است. در پایین هر صفحه در سمت چپ، رکابه‌ای نوشته شده است که حاوی یک یا دو کلمه از شروع صفحه بعد است. از ویژگی‌های دیگر این نسخه این است که عنوان‌ها با شنجرف نوشته شده‌اند. تقریباً در همه اوراق این نسخه آثار پخش شدن جوهر قلم مشاهده می‌شود و بعضی کلمات پاک شده است و در بعضی موارد حروفی نم گرفته‌اند که در مواردی خواندن نسخه را با مشکل مواجه می‌کند. در صفحه پایانی این نسخه که توسط کاتب افزوده شده، زمان کتابت و نام خود را این گونه قید کرده است: «تمه الكتاب بعون الملك الوهاب در شب یک شنبه غره شهر ربیع الثانی بیدائل حبیب الله میرزا». با توجه به زمان تألیف و کتابت اثر می‌توان این گونه حدس زد که کاتب این نسخه احتمالاً از آشنایان و هم صحبتان مؤلف بوده است.

معرفی نسخه دوم:

این نسخه از کتاب طرائف الظرایف به شماره ۴۴۵ در مخزن کتابخانه ملی ایران محفوظ است. نوع جلد این نسخه بوم نقاشی قهوه‌ای، ترنج و نیم ترنج، حاشیه نقاشی سبز و شنجرف و لاجورد، درون نرگس زر و شنجرف و سبز است و نوع کاغذ آن دولت آبادی است. این نسخه توسط کاتبی نامعلوم به خط نستعلیق در ۹۶ برگ (۱۹۲ صفحه) ۹ سطری نوشته شده. این نسخه دارای دو جدول است:

۱. جدول دور سطور زر و سیاه و شنجرف و لاجورد.

۲. جدول بیرونی، قرمز.

برخی از ویژگی‌های کتابتی و رسم الخطی نسخه خطی طرائف الظرایف

۱. این نسخه به رسم بسیاری از نسخه‌های قدیم غالب کلمات را بدون نقطه نوشته است.
۲. مدی را که اکنون بر همزه می‌گذارند مثل: آداب / آنها / آن / آتش / آنکه، گاه حذف می‌کند و گاه حذف نمی‌کند.
۳. حرف اضافه «به» در بیشتر موارد متصل به مابعد خود نوشته شده است. مثل: بدست، بمطالعہ ،

بلطایف، بلباس، بطرایف.

۴. پیشوند منفی ساز «ن» در بیشتر موارد به صورت مجزا و قبل از افعال نوشته شده که نویسنده ظاهراً برای تأکید به این صورت نوشته است. مثل:

نه بست: نیست، نه بینم: نبینم، نه فهمد: نفهمد، نه پرسند: نپرسند، نه نمودم: ننمودم

۵. الف «است» را گاه حذف می کند و گاه باقی می گذارد. مانند: اینست / آن است.

۶. در اضافه یا وصف کلمات مختوم به «ه» گاه علامت همزه و گاه «ی» اضافه دیده می شود. در مواردی هم هیچ علامتی نگذاشته است: مانند: آفریننده جهان / آموزنده انسان.

۷. واج «گ» در همه جا با یک سرکش نوشته شده یعنی به صورت «ک».

۸. پیشوند «می» علامت استمراری در اکثر موارد به فعل بعد از خود چسبیده است.

۹. در کلماتی که دو حرف کنار هم، مجموعاً سه نقطه دارند، این سه نقطه در یک جا متمرکز و روی هم نگاشته شده که در مواردی باعث سخت خوانی متن گردیده است.

۱۰. دوگانگی در شیوه املائی؛ مانند: نه فهمد و نفهمد، آنها و آنها.

۱۱. نوشتن «دوم» به صورت «دویم»؛

۱۲. در بیشتر صفحه‌های نسخه، اولین کلمه صفحه بعد، در انتهای صفحه قبل تکرار شده است.

بخشی از نثر مسجع تصحیح شده کتاب طرائف

«حمد خدای را که آفریننده جهان است و آموزنده انسان «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم»^۱. ارسال رُسل برای تکمیل بنی آدم فرمود و به علم کامل خود بی واسطه تعلیم آدم نمود. «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا»^۲. و درود نامعدود بر روان انبیاء و اولیاء باد که علت نعم اند و واسطه رحمت؛ خصوصاً بر روان پاک سید بشر و رسول الاسود و الاحمر، خواجه کاینات و شفیع روز عرصات، محمد مصطفی (ص) و سرور دو سراء و آل و اولاد او باد که راه نمایندگان سبیل هدایت و محو سازندگان طریق غوای اند. اما بعد؛ بر رأی دانشمندان واضح است که تحصیل آداب به طریق اکتساب حاصل نشود، الا به ممارست با حکماً؛ و این ممارست بر دو وجه است:

وجه اکمل آن است که با ایشان نشینند و از مصاحبت ایشان بهره گیرند، «خُذُوا الْعِلْمَ مِنْ أَفْوَاهِ الرِّجَالِ». و اگر این نوع (تحصیل ممکن) نشود به مطالعه کتب ایشان اشتغال نمایند و از رموز کلمات ایشان آگاهی حاصل فرمایند. علم و حکمت زینت اغنیاء و کسب فقر است و چون برای بعضی از نفوس

۱. سوره ۹۶ (العلق) آیه ۵.

۲. سوره ۲ (البقره) آیه ۲۱

۳. مل افزوده: و ادباء

۴. کت: خذو العلم؛ مل: خذو لعلم؛ کذا: خذوا العلم

۵. مل: تحصیل ممکن؛ کذا: تحصیل ممکن؛ کت: ممکن تحصیل

شریفه اکتساب آداب را به طریق اول مواع (عظیمه) حاصل است؛ لهذا، حکماء و ادباء برای تکمیل نفوس شریفه ایشان به طریق ثانی وضع کتب فرموده‌اند و به لطایف و ظرایف پرده روی مطالب کشیده‌اند، چنان که ادیب فاضل میدانی وضع کتاب «مجمع الامثال» را نموده و جمیع آداب را به لباس امثال متلبس ساخته؛ و همچنین شیخ کامل بهاء‌المله و الدین شیخ بهائی رحمه‌الله کتاب «مخالات» و «کشکول» را برای همین مطلب تألیف فرموده؛ و همچنین سید مرحوم سید نعمت الله جزایری وضع کتاب «زهراالربیع» و «انوارنعمانی» را برای همین مقصود در سلک تحریر کشیده. بلکه وضع جمیع کتب تواریخ و سیر در حقیقت برای همین مطلب است که صاحبان اختیار از مطالعه آنها اختباری حاصل نمایند و تکمیل نفوس شریفه خود را فرمایند.

لهذا، این روسیاه درگاه الهی و دعاگوی دوام دولت شاهی جهانگیر میرزا^۲ این چند کلمه را برای بهجت خاطر^۳ بعضی از نفوس شریفه [ترتیب]^۴ نمود و مسمی ساخت به «طرایف الظرایف». امید که مطالعه نمایندگان به نظر التفات بر مکتوب و کاتب ملاحظه فرمایند و از معایب و مصایب^۵ آن درگذرند «و بالله التوفیق و علیه التکلان».

هدایه

در حدیث عامه و خاصه وارد شده و متفق علیه است که پیغمبر (ص)^۶ فرموده^۷ «حُبُّ عَلِيٍّ حَسَنَةٌ لَا تَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ^۸ وَ بُغْضُهُ سَيِّئَةٌ لَا تَنْفَعُ مَعَهَا حَسَنَةٌ». یعنی دوستی علی نیکوئی است که ضرر نمی‌رساند به آن^۹ نیکوئی هیچ بدی و دشمنی او^{۱۰} بدی است که نفع نمی‌رساند به آن بدی هیچ نیکوئی. بعضی از مفسرین حدیث لفظ «حُبُّ» را که در این حدیث واقع است به معنی «اتباع و پیروی» تفسیر

۱. کت مل: عظمه؛ کذا: عظیمه

۲. مل افزوده: نیز

۳. مل: «خاطر» ندارد

۴. از «مل» افزوده شد.

۵. مل: «مصایب» ندارد؛ کذا: لکن به نظر می‌رسد «مساوی» درست تر باشد که کاتب متوجه آن نشده است توضیح آنکه در کتب اخلاق «المحاسن و المساوی» داریم. از جمله، آیت الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی. ۱۸ جلد.

۶. مل: بالله

۷. مل «ص» ندارد

۸. مل: فرمود

۹. مل: یضر

۱۰. کت: سیئه؛ مل: سینه؛ کذا: سیئه

۱۱. کت: با ان؛ مل: بان

۱۲. مل: علی

نموده‌اند و از ظاهر خود منصرف ساخته‌اند. بعضی دیگر گفته‌اند که دوستی حضرت به انضمام اعمال صالحه مفید این فایده است. و محققان بر آنند که این هر دو وجه وجیه نیست و عدول از ظاهر حدیث بدون دلیل نمودن نامناسب و ردّ توهم [مؤولین]^۱ حدیث را می‌نماید.

حدیث قدسی که فرمود: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مَنْ ابْغَضَ عَلِيًّا وَ إِنِ اطَاعَنِي وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَ إِنِ عَصَانِي». یعنی داخل بهشت نمی‌شود کسی که دشمن دارد علی را اگر چه فرمانبرداری کند مرا و داخل آتش نمی‌شود هر که دوست دارد علی را اگر چه نافرمانی کند مرا. و در احادیث دیگر نیز وارد است که فسّاق مؤمنین داخل بهشت می‌شوند.

پس واضح شد که در حدیث اوّل مراد از لفظ «حَبَّ» دوستی محض است و در حقیقت خود، استعمال شده. تأویل بدون دلیل روا نیست.

نتیجه گیری

زمانی که به متن کتاب نظر می‌افکنیم، نخستین چیزی که جلب نظر می‌کند، استفاده نویسنده از نثر مرسل و ساده است. و از نظر شکل ظاهری نثر آمیخته به نظم است. از جهت قالب و ساختار بیان مطالب اثر متشکل از حکایت و فایده و حکمت و لطیفه است. شرایط فرهنگی و اجتماعی این شاهزاده جوان موجب آشنایی او با اصول ریز حکومتی بود. جهانگیر در این قرن که نفاق و ریا میان اهل فضل شدت می‌گرفت، با مهارت و فراست از توانمندی‌هایش به خوبی بهره برد تا با نثر روان و ساده خود این دوره را زیر نقد پوشیده خود ببرد؛ به همین دلیل آشنایی با این اثر خواننده را در شناخت بهتر و بیشتر این قرن و نویسنده این دوره یاری می‌کند. بنابراین آشنایی با این اثر منثور جهانگیر بی شک در درک بهتر و بیشتر این قرن میسر خواهد بود.

منابع

۱. انوار، سید عبدالله، فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵.
- آراین پور، یحیی، از صبا تا نیما، تهران، زوآر، ۱۳۸۷.
- قاجار، جهانگیر میرزا، طرائف الظرایف، تهران، کتابخانه ملی، شماره ۴۴۵، بی تا.
- قزلسفلی، زهرا، «مقدمه»، تصحیح و شرح و تعلیقات بر نسخه خطی طرائف الظرایف جهانگیر میرزا قاجار»، پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علوم و تحقیقات، ۱۳۸۹.
- مستوفی عبدالله، شرح زندگانی من، تهران، هرمس، ۱۳۸۶.

۱. کت و مل: ناویلین؛ کذا: مؤولین.